

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

سیاسی	Political
-------	-----------

محسن سخن سنج

۱۵ مهر ۱۳۸۶

<http://www.salam-democrat.com/spip.php?article4144>

از ساواک تا واواک

کالبد شکافی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی

واواک، اساساً یک نهاد امنیتی به معنای مدرن آن نیست، بلکه یک مجموعه سیاسی – اقتصادی است که از ابزارهای امنیتی برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی استفاده می کند. واواک، را در واقع می توان شرکت سهامی امنیتی نامید که در مرحله بعد به شرکت سهامی اقتصادی تبدیل می شود ...

وزارت اطلاعات، مجموعه ای امنیتی است که کمتر تحلیل های واقع بینانه در مورد آن نگاشته شده است. مشخصه اکثر تحلیل های موجود، بزرگنمایی، اغراق گویی و تمایل ناخودآگاه به تقویت تصویری از این مجموعه امنیتی است که بیش از همه به خودآشیفتگی مژمن اعضا و کارمندان آن یاری می رساند. لقب بی مسمای سرباز گمنام امام زمان (که البته دیگر حتی اعضای وزارت اطلاعات نیز به آن اعتقادی ندارند!)، در این راستا جریان یافت که وزارت اطلاعات را از یک نهاد امنیتی به یک نهاد مقدس تبدیل کند! یعنی، وزارت اطلاعات همزمان یک نهاد امنیتی و نهاد مقدس است و این امری است که با نگاهی به زندگی شخصی اعضای واواک (چه از نظر رفتار جنسی و چه از نظر مسائل مالی) به شدت رنگ می بازد!

درواقع وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، یکی از فاسدترین و درعین حال فرسوده ترین و بی رمق ترین نهادهای امنیتی دنیاست و تنها با نهادهای امنیتی آمریکای لاتین قابل مقایسه است.

واقعه قتل های زنجیره ای، به عنوان پدیده ای همیشه حاضر و نه رویدادی استثنایی، به خوبی ماهیت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی را با تمامی ابعاد و زوایای آن برملا ساخت.

توجه به این نکته که درست پس از قتل های زنجیره ای مسوولین وقت وزارت اطلاعات، قصد تشکیل یگان مسلح در این وزارت خانه را داشتند به خوبی ماهیت واواک را برملا می سازد.

از ابتدای تاسیس وزارت اطلاعات، وقایعی که صرفاً از نظر شدت با قتل های زنجیره ای متمایز بودند، در واواک روی داده و می دهد.

به طور کلی، واواک بازتابی تمام عیار از نظم سیاسی موجود است و تمامی ویژگی های آن را در خود بازنمایی کرده است، درست همان گونه که ساواک بازتابی از نظم سیاسی رژیم پهلوی بود. (ساختمان اصلی وزارت اطلاعات در خیابان خواجه عبدالله انصاری در واقع محل ساواک است!)

واواک، اساساً یک نهاد امنیتی به معنای مدرن آن نیست، بلکه یک مجموعه سیاسی - اقتصادی است که از ابزارهای امنیتی برای رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی استفاده می کند. واواک، را در واقع می توان شرکت سهامی امنیتی نامید که در مرحله بعد به شرکت سهامی اقتصادی تبدیل می شود. بدین معنا که ساختار چند لایه و پاره پاره سیاسی در ایران و تضادها و کشمکش های کانون های مختلف قدرت، خود را به صورت باندهای مختلف حاکم بر واواک نشان می دهد. هر کدام از کانون های قدرت، دارای سهم مخصوص خود در واواک است: بخشی از واواک متعلق به اصلاح طلبان است، بخشی برای موفقه، بخشی برای بنیادگرایان و... در واقع واواک، از ابتدا تا کنون به صورت محفلی و باندی اداره شده و می شود. نقش وزیر (سواک دوران مسوولیت فلاحیان در دوره اول) همواره نقش حاشیه ای بوده و وزیر زیر سلطه باندهای مختلف حاکم بر واواک له می شود.

نکته جالب اینکه بدلیل نفوذ فراوان اصلاح طلبان در واواک و ارتباط فرامرزی برخی از چهره های اصلاح طلب با عناصر اپوزیسیون و برخی از سازمان های امنیتی غرب (بوئزه سیا)، بخش جالب توجهی از اطلاعات محرمانه و سری واواک خود بخود به میز ایران در سیا منتقل شده و می شود، به نحوی که میتوان گفت سیا نیز در واواک سهم دارد و بخشی از واواک به شکل غیرمستقیم برای سیا کار کرده و میکند! از این منظر، واواک در تمامی سازمان های امنیتی دنیا بی نظیر است!

نکته دیگر این که اعضای واواک، برخلاف آنچه که تصور می شود، بیش از همه از نظم سیاسی موجود متنفرند. اعضای واواک بدلیل دسترسی به اطلاعات محرمانه؛ از زندگی شخصی، رفتار جنسی و مالی بسیاری از مقامات بلندپایه مطلع اند. مشاهده ریاکاری ها و رفتار برخلاف گفتار آنان، اعضای واواک را نسبت به اعتقادات و ارمان های خود متزلزل ساخته است. بیهوده نیست که اعضای واواک شدیداً نسبت به پناهندگی و زندگی در خارج حساس بوده و تمایل شدید دارند. از این منظر، می توان آن ها را با گروهی که برای دریافت پناهندگی تن به همجنس بازی میدهند مقایسه کرد! از نظر توانایی کار امنیتی و اطلاعاتی، واواک تنها بر دو مولفه استوار است: خبرچین ها و تکنولوژی. به طور کلی و در ادبیات امنیتی، کار اطلاعاتی سه جز دارد:

۱. جمع آوری اطلاعات (خبرچین ها، شنود، جاسوس و...)

۲. تجزیه و تحلیل اطلاعات

۳. توزیع اطلاعات

در یک سازمان مدرن امنیتی جز دوم است که اهمیت دارد. اما واواک به دلیل ساختار فرسوده و عقب مانده اش، صرفاً بر مولفه اول متکی است. تا جایی که می توان گفت سیستم اطلاعاتی ایران، خبرچین محور است.

تکنولوژی نیز یک محصول وارداتی است که می توان از شرکت های اروپایی که در زمینه شنود، جاسوسی و استراق سمع فعالیت می کنند خریداری کرد. از این رو، استفاده از ابزار تکنولوژیک روز دنیا مزیت خاصی محسوب نمی شود. فعالین و مبارزین سیاسی، بیش از همه باید مراقب خبرچین های انبوه واواک باشند که برای مبلغ بسیار کمی پول حاضر به انجام هر کاری هستند. بنابراین واواک از جهت کار امنیتی، هیچ توانایی خاصی ندارد. واواک در رده بندی سازمان های امنیتی دنیا در رده های ۶۰-۷۰، در آسیا بعد از چین، هندوستان و پاکستان چهارم و در منطقه خاورمیانه بعد از موساد دوم است.

نکته جالب توجه دیگر واواک، تورم شدید کارمندان در آن است. در حالی که موساد چیزی در حدود ۲۰۰۰ نیرو دارد، واواک دست کم ۲۰ هزار نیروی رسمی و ده ها هزار نفر غیررسمی و خبرچین دارد. این تورم نیرو؛ باعث افت کارایی در آن شده است.

واواک یک سازمان فریه و ناکارآمد امنیتی است که بیشتر به عنوان یک ابزار سرکوب عمل می کند تا این که کارکردهای امنیتی مناسب از خود نشان دهد. واواک، ۱۵ معاونت دارد که مثلاً یکی از معاونت های آن به نام معاونت سیاسی یه ویژه صرفاً برای مقابله با روحانیون ناراضی! طراحی شده است و این به خوبی سرشت سرکوب گر واواک را نشان می دهد.

واواک در خارج از کشور، حوزه های جغرافیایی متعدد دارد که هر کدام توسط یک مرکز هدایت می شوند. این مراکز مستقیماً با تهران در تماس اند. مراکز اصلی واواک در دنیا بدین قرار اند:

۱. اوراسیا: روسیه سفید

۲. خاورمیانه: لبنان

۳. آسیای میانه: ترکمنستان

۴. امریکای شمالی: کانادا

۵. امریکای جنوبی: ونزوئلا

۶. آفریقا: کنیا

۷. اروپا: دانمارک

۸. اسکاندیناوی: سوئد

هر کدام از این مراکز عهده دار پشتیبانی و کنترل شبکه های جاسوسی در کشورهای مجاور خود هستند. مراکز واواک در تهران و شهرهای دیگر ایران، اغلب به صورت خانه ها یا محل های اداری معمولی هستند. مثلاً دفتر همکاری های فن آوری ریاست جمهوری (در خیابان دریان نو تهران) یکی از زیرمجموعه های معاونت فن آوری واواک می باشد.

واواک نیروهای اصلی خود را معمولاً از بین دانشجویان (و نه فارغ التحصیلان) دانشگاه های خوب کشور که به دلیل وضعیت دانشجویی وضع مالی خوبی ندارند، انتخاب می کند و به تدریج زمینه های جذب آنان را فراهم می سازد. نوع برخورد واواک با فعالین سیاسی، بیشتر از جنس فشار سیاسی است که از نقطه نظر امنیتی هیچ ارزشی ندارد. واواک (کاملاً شبیه کا.گ.ب) سعی می کند بر سر زندگی شخصی، اقتصادی و تحصیلی افراد مانع تراشی کند. واواک، اغلب عاجزانه، سعی می کند زندگی افراد را دچار مشکل سازد و این پدیده بازوی یک رفتار دایم گفتار گمنام می باشد. لاپوشانی؛ نیز یک رویه همیشگی در واواک است. بدین معنی که در هر مورد (یا کیس) واواک یا همه چیز را از قبل می داند یا این که اصلاً چیزی روی نداده است.

سیامک پورزند یکی از نمونه ها در این زمینه است. زمانی که مشخص شد پورزند توانسته است دور از واواک دست به چنین نفوذ عمیقی بزند، واواک در جلسه ای محرمانه اعلام کرد که پورزند عامل ما بوده است! معلوم نیست اگر پورزند عامل واواک بوده است، چرا اجازه دادند آن بلا را در زندان بر سر وی بیاورند!

جدیدترین اقتضاح واواک، ماجرای دستگیری موسویان است. در ماجرای موسویان، واواک به راحتی فریب مجموعه ای از مدارک جعلی را خورده بود که برای بدنام کردن موسویان توسط ام.ای.۵ طراحی و به طور غیرمستقیم و از طریق سازمان امنیت روسیه و تحت یک مبادله اطلاعاتی به واواک تحویل داده شد. معلوم نیست واواک و وزیر بی کفایت وی، چه پاسخی برای این رسوایی دارند!

در حال حاضر و هر چه زمان می گذرد، واواک قدرت، نفوذ و همینه خود را چه در ساختار قدرت و چه در سطح بین المللی از دست می دهد. ساخت قدرت، دیگر اعتماد چندانی به واواک ندارد و ترجیح می دهد بیشتر بر اطلاعات سپاه تکیه کند. زندانی ساختن چند دانشجو یا معلم بدبخت یا راننده شرکت واحد وظایف اصلی و افتخارات واواک را تشکیل می دهد! زمانی پیش از این نهادی مانند نیروی انتظامی به عنوان بازوی واواک عمل می کرد، اما امروز واواک به چنان ذلتی رسیده که مجبور است وظایف نیروی انتظامی مانند دستگیری قاچاق چی ها، و مانند این را انجام دهد!